

امروز گفت‌وگوهای صلح سوریه با حضور فرمایشی سفیر آمریکا در آستانه قزاقستان برگزار می‌شود

مذاکره با بوی باروت

صفحه ۲

دوشنبه ۴ بهمن ۱۳۹۵ ■ ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۴۲۸ ■ ۲۳ ژانویه ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۰۸۱ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

۱۱۷۸ سال و ۴۶ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.09 ■ No.2081 ■ Mon.Jan.23, 2017 ■ ISSN:2008-2886

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

ادامه عملیات آواربرداری در پلاسکو

دست بسته شهرداری

شهرداری اجازه قانونی

یلمب واحدهای نابین را ندارد

صفحه ۴



یادداشت امروز

آقای تناقض!

■ مهدی محمدی ■

در جهان درسی از این وجود ندارد که دونالد ترامپ چگونه رئیس‌جمهوری خواهد بود. شاید بی‌راه نباشد اگر بگوییم او خود نیز نمی‌داند در مسائل کلیدی چگونه رفتار خواهد کرد. به اصطلاح گفته می‌شود «دوران یادگیری» او طولانی خواهد بود. این هم به دلیل پیچیدگی و حجم بالای مسائلی است که او باید در مقام رئیس‌جمهور آمریکا بیاورد و هم به این دلیل است که از همان روز نخست، در نوعی تقابل با بخش‌هایی قدرتمند از ساختار حقیقی و حقوقی قدرت در واشنگتن قرار گرفته که آشکارا او را تحقیر می‌کنند. این بخش‌ها، همان‌هایی هستند که سیاست‌های واقعی در موضوعات اساسی را تولید و معادلات تنظیم‌کننده آن سیاست‌ها را مدیریت می‌کنند. جامعه اطلاعاتی آمریکا در راس این نهادها قرار دارد. منازعه ترامپ با سیا، یک مساله بروکراتیک نیست. این منازعه به معنای آن است که بخش‌هایی بسیار نیرومند از ساختار قدرت در آمریکا، بی‌توجه به اینکه او قانونا کیست و چه اختیاراتی دارد، در مقابل وی صف‌کشی کرده‌اند. همه آنچه جامعه اطلاعاتی آمریکا در یک ماه گذشته با ترامپ کرده را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد و آن این است: «روسیه برای آمریکا رئیس‌جمهور تعیین کرده است!» کسانی که اندک آشنایی‌ای با محیط حاکم بروکراتیک دارند می‌دانند این پیام بیشتر شبیه نوعی اعلان جنگ و کاملاً بی‌سابقه است. به تعبیر فنی‌تر، جامعه اطلاعاتی آمریکا، ترامپ را به مثابه یک شکست‌اطلاعاتی تحلیل می‌کند که هر چه زودتر باید آن را جبران کرد و وقتی کسانی مانند مدیران سیا، درصد جبران یک شکست برآیند معلوم است که باید منتظر چه چیزهایی بود.

در سطح دولتی اما ترامپ یک موجود کاملاً متناقض است. اگر بخواهیم از ادبیاتی استفاده کنیم که در کمپین‌های انتخاباتی رایج است، او کسی است که «هر جارسیده به اقتضای مخاطبی که داشته و صرفاً با هدف پیروزی بر رقیبش» حرف‌هایی زده و حالا باید همه آنها را یکپارچه کند. چنین کاری به هیچ‌وجه ساده نخواهد بود زیرا اگر به روانشناسی او به عنوان فردی که مراجعه کنیم که دالما خود را در تقابل با این و آن تعریف می‌کند و حیات سیاسی خود را به همین سنگربندی‌ها و مبارزه‌جویی‌ها وابسته کرده است.

مراجعه به ادبیات ترامپ و تیشمش، هیچ بسته منسجمی از سیاست‌هایی که براساس آن بتوان کشوری مانند آمریکا را اداره کرد، به ما نمی‌دهد. درباره برجام، خود او از «مذاکره مجدد» سخن گفته، وزیر خارجه‌اش از «مرور مجدد» و «تضمین پایبندی ایران به توافق»، وزیر دفاعش هودار فقط برجام است و مشاور امنیت ملی‌اش می‌گوید این توافق فاجعه‌بار است. اگر چه هم ترامپ و هم تیشمش، ادبیات خود درباره برجام را بنیاد تعدیل کرده‌اند اما هنوز چیزی که بتوان نام آن را یک سیاست منسجم گذاشت شکل نگرفته است. در بدترین حالت او و تیلرسن بر استراتژی مذاکره دوباره تاکید خواهند کرد که به معنای بازنویسی برجام است و در بهترین حالت، سعی خواهند کرد با حفظ همین توافق فعلی، ضمن اعمال تحریم‌های جدید غیر مرتبط با برجام، ظرفیت‌های نهفته در آن پروژه در حوزه بازرسی‌ها را برای فشار بیشتر و امتیازگیری سخت‌گیرانه‌تر از ایران فعال کنند.

درباره مسکو، او متعلق به حزبی است که به طور سنتی با قدرت‌گیری روسیه در جهان مشکلات اساسی دارد. از سوی دیگر او، مایک فلین و ریکس تیلرسن هر سه علاقه‌مند به آغاز نوعی شراکت ژئوپولیتیک با روسیه هستند که هسته مرکزی آن مبارزه با داعش است. در اینجا ظاهراً مشکلی وجود ندارد اما در واقع تناقضات مهمی نهفته است. سطحی از به اشتراک‌گذاری اطلاعات و هماهنگی عملیاتی که ترامپ مایل به برقراری آن با روسیه است، از دیدگاه جامعه دفاعی و اطلاعاتی آمریکا یک «تهدید حیاتی» برای آمریکا محسوب می‌شود. ضمن اینکه چنین سیاستی اساساً بر این فرض بنا شده که آمریکا واقعاً بناسنت با داعش مبارزه کند در حالی که احتمالاً در چند ماه آینده کسانی مانند مایک پامپو، مدیر سیا مأمور خواهند بود به ترامپ حالی کنند- البته اگر تا حالا نکرده باشند- که داعش برای آمریکا یک ابزار است نه یک دشمن.

ادامه در صفحه ۵



سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری از ارتباط روشن بدهکار بزرگ بانکی با برادر رئیس‌جمهور خبر داد

رد فریدون



عکس: مجید خردوست

صفحه ۲

برویم» یا «می‌رویم اگر» یا حتی «احتمال دارد برویم» را استخراج کرده و به کار می‌گیرد. بدین ترتیب به عنوان مثال مدیر بانک پس از بررسی رایانه‌ای بیان اقتصادی یک بازگان می‌تواند فراتر از منطق «وام می‌دهیم» یا «وام نمی‌دهیم» رفته و بگوید: «وام می‌دهیم اگر...» یا «وام نمی‌دهیم ولی...» و مذاکره‌کننده هسته‌ای می‌توانست بگوید توافقی خوب است و ما آن را منعقد می‌کنیم به شرط اینکه فلان شرایط در آن لحاظ شده باشد و قرارداد هوابیما بسته می‌شود به شرط اینکه فلان موارد در آن لحاظ شود و مسؤول محترمی که قصد اعزام و شرکت در مراسم استقبال از هوابیما را داشت نیز می‌توانست به‌جای «رفتن» یا «رفتن» به این گزاره نیز فکر کند که «رفتن خوب است به شرط اینکه عزت ملی مان را حفظ کند» و اگر رفتن عزت ملی مان را حفظ می‌کند بهتر است من در این مراسم شرکت نکنم! یا حتی بروم اما رفتاری از خود نشان دهم که نمایانگر ذوق‌زدگی و عقب‌ماندگی مان نباشد!

می‌شود باز هم حرف‌ها را جور دیگری جلوه داد، می‌شود باز هم دوگانه‌سازی‌های نواقع مدنظر خودمان را جلو ببریم و می‌شود صفر یا صدی که به مسائل نگریست اما قطعاً تا موقعی که در پاسخ هر نقدی که در لابردن کیفیت مدیریت کشور مطرح می‌شود، این دوگانه‌های صفر و یکی برای تخطئه آن نقد و نه اصلاح امور مطرح شود وضعیت به سمت بهبود نمی‌رود! قطعاً این نگاه ناسالم کمکی به کشور نمی‌کند، حالا شما می‌توانید این مسیر را ادامه دهید...

و استاد دانشگاه نیویورک در تحلیلی هشدار داده است به احتمال زیاد دستگاه‌های اطلاعاتی ایالات متحده ضد رئیس‌جمهور جدید و ناهماهنگ با آنها کودتا خواهند کرد. در این مقاله با عنوان «تغییر نظام در خانه: تهدیدات عیان سیا علیه ترامپ»، پتراس می‌نویسد سیاست کودتا و تغییر رژیم که از انس اطلاعات مرکزی آمریکا برای دهه‌های متمسادی در قبال کشورهای دیگر جهان دنبال می‌کرد حالا در داخل خود آمریکا اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. البته باور عمومی بر این است که این سیاست قبلاً یک بار دیگر بنا تروور جان اف کندی، رئیس‌جمهور وقت در ۱۹۶۲ در آمریکا پیاده شده بود.

می‌شود غیر از صفر و یک را هم انتخاب کرد

■ میکائیل دبانی ■

صنایع های تک ایران است و او و همکارانش برای ما امرغان صنعت هسته‌ای را به بار آوردند، دست بر جبهه بار مسافر هوابیما داشته باشد و آن را واریسی کند؟! فرار از نوع قرارداد و معامله‌ای که درباره هوابیماهای ایرباس صورت گرفته و نقدهای بسیاری می‌توان ناراحتی و تاسف را برای مسؤلان که نه تنها خودشان را بی‌عزت کردند، بلکه ملت ایران را تحقیر کردند در چشم‌های این ناظر تماشا کرد!

مخاطب ایرانی پس از دیدن این تصاویر چند سوال برایش به‌وجود می‌آید: آیا ما این قدر عقب مانده‌ایم که برای آمدن یک فروند هوابیما که نمونه آن یا حتی بهتر از آن را نیز سابقاً دیده‌ایم باید چنین شور و شغعی از سوی مسؤلان مان ببینیم؟ برای آمدن یک فروند هوابیما خریداری شده آیا حضور این همه مسؤل در سطوح عالی نظام درست بود؟ آیا باید معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی، وزیر راه‌وشهرسازی، نایب‌رئیس مجلس و بسیاری دیگر از مسؤلان کشور برای مراسم ورود یک هوابیما صف می‌کشیدند یا این مراسم می‌توانست با همان تعداد عکاس و فیلمبردار بدون ایجاد حس تحقیر و عقب‌ماندگی و در قالبی شکلی با حضور مدیرعامل ایرباس و رئیس سازمان هوابیمایی کشور و جمعی از مسؤلان حمل‌ونقل هوایی برگزار شود؟! آیا درست بود تصاویری از این مراسم مخابره شود که جناب صالحی که خود رئیس یکی از بزرگ‌ترین

گفته بودند در آینده نزدیک قرار است نخستین ایرباس از مجموعه هوابیماهای اجاره به شرط تملیکی که در پساپیرجام به امرغان آمده بود به سامانه هوابیمایی کشور تحویل شود و این اتفاق در هفته چهارم دی‌ماه رخ داد اما به شکلی عجیب و تاسف‌بار! صبح ۲۳ دی‌ماه در آشیانه هوابیماهای مهرآباد چندصد صندلی را ردیف کرده بودند که مسؤلان و مقامات مختلف دولتی را برای استقبال از ایرباس به خط‌کنند. از جناب آخوندی وزیر راه‌وشهرسازی تا پزشک‌کیان نایب‌رئیس مجلس و دکتر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی، گل به دست با ذوق‌زدگی غیرقابل وصفی رفتار می‌کردند که همگان را متعجب کرده بود! تصاویری که هر کدام بر تلکس خبرگزاری‌ها می‌رفت، شادی‌های آمدن نخستین ایرباس را به ناراحتی بدل می‌کرد. تصویری از فشرده شدن بیش از حد مدیرعامل ایرباس توسط وزیر راه‌وشهرسازی آن هم با چهره‌ای شکفته! تصویری از تکان دادن گل‌ها توسط مسؤلان کشور برای ایرباس که انگار به مششوقه رسیدند! تصویری از واریسی کابین هوابیما و حتی تماشای جعبه بار مسافر توسط دکتر صالحی؛ همه و همه شادی مردم از آمدن نخستین ایرباس را به تلخی تحقیر عزت ملی تبدیل کرد.

اگر برای کسی از جزئیات خبر چیزی نمی‌گفتیم و تنها عکس‌ها را نشان می‌دادیم، مخاطب ایرانی بی‌واسطه این گمان را در ذهن خود تقویت می‌کرد که صحنه‌آرایی ایجاد شده در آشیانه مهرآباد با حضور این تعداد و سطح از مسؤلان کشور حتماً برای رونمایی از هوابیمایی است که ما ساخته‌ایم و

سخنرانی ترامپ در مقر سیا

در انتخابات ریاست‌جمهوری پاییز گذشته آمریکا، به تضعیف دستگاه‌های اطلاعاتی متهم شده بود. ترامپ همچنین در سخنرانی مزبور بار دیگر جریان رسانه‌ای اصلی آمریکا را به دروغ‌پردازی متهم کرد. او به این خبر که شمار کمتری از مردم نسبت به قبل در این دوره از مراسم تحلیف شرکت کرده‌اند، حمله کرد و مدعی شد بالغ بر یک و نیم میلیون نفر در مراسم روز جمعه در محوطه‌ها و خیابان‌های اطراف تپه کپیتول واشنگتن حاضر بوده‌اند. اما نیک شاپیرو، معاون سابق رئیس ستاد سازمان سیا گفته است نمایش

حمایت نیاز نداریم». او سپس بار دیگر بر اولویت سیاست خارجی خود یعنی محو داعش که یک روز پیش‌تر در سخنرانی پس از تحلیف مطرح کرده بود تاکید ورزید و گفت: «ما باید از شر داعش خلاص شویم. ما چاره دیگری نداریم. من دیروز گفتم که باید تروریسم اسلام را دیکال از زمین ریشه کن شود. این اهریمن است.»

■ کودتای سیا علیه ترامپ؟

این در حالی است که ترامپ پیش از این به خاطر ابراز تردید درباره گزارش دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا درباره ادعای نفوذ سایبری روسیه